

تحلیل محتوای آثار گفتمان مارکسیستی در فرایند انقلاب اسلامی

بر اساس نظریه جیمز پل جی

محمد رحیمیان^۱، عباس کشاورز شگری^۲، علی مرشدی زاد^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۶

چکیده:

هدف اصلی این مقاله تحلیل محتوای آثار گفتمان مارکسیستی با استفاده از روش نظریه تحلیل گفتمان جیمز پل جی است. گفتمان مارکسیستی با بهره‌گیری از آثار و کتاب‌های تأثیرگذار سعی در جذب افراد در فرایند انقلاب اسلامی بود. در این راستا مارکسیست‌ها از کتب همچون کژراجه (احسان طبری)، تزی برای تحریک (مصطفی شعثانین)، تحلیل موقعیت نیروهای انقلابی در ایران (بیژن جزنی)، حزب توده و مسائل میهن انقلابی ما (نورالدین کیانوری)، ماهی سیاه کوچولو (صمد بهرنگی) الهام گرفتند. نویسنده در این مقاله در پی پاسخ به این سوال است که تحلیل محتوای آثار گفتمان مارکسیستی در فرایند انقلاب اسلامی بر اساس نظریه جیمز پل جی به چه صورت می‌باشد؟ روش مورد استفاده در این مقاله روش تحلیل گفتمان با استفاده از نظریه تحلیل گفتمان جیمز پل جی است. نظریه گفتمان پل جی یکی از مهمترین و کارآمدترین نظریه‌ها در توصیف ساختار یک متن و دستیابی به عناصر زبانی آن و روابط میان این عناصر است. تحلیل محتوای آثار نشان می‌دهد مفهوم حرکت در آثار گفتمان مارکسیستی از نقش مهم و کانونی در تفکرات مارکسیست‌ها برخوردار است. آثار مارکسیستی در تلاش است نظم برآمده از حکومت پهلوی را به چالش کشیده و کلمه حرکت را به سمت مفهوم انقلاب سوق دهند. همچنین بررسی محتوای آثار مارکسیستی نشان می‌دهد که بعضی آثار تنها راه‌هایی علیه انسداد وضعیت و فعالیت‌های سیاسی را اقدام مسلحانه می‌دانستند. در مقابل این گفتمان، گروهی بودند که دال مرکزی گفتمان خود را حرکت نرم و مسالمت‌آمیز در نظر داشتند و رسیدن به هدف از طریق حرکت مسلحانه را امری مذموم قلمداد می‌کردند. این گفتمان سعی داشت به روش مسالمت‌آمیز به اهداف خود نائل شوند. این گروه مایل به انقلابی است که از متن جامعه و مطالبه اکثریت مردم بیرون بیاید.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی؛ مارکسیسم؛ گفتمان؛ مارکسیست‌های انقلابی؛ مارکسیست ماتریالیست

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه شاهد، تهران، ایران. m.rahimian@shahed.ac.ir

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شاهد، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) keshavarz@shahed.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شاهد، تهران، ایران. alimorshedizad@yahoo.com

در فرایند انقلاب اسلامی، گفتمان‌های مختلفی وجود داشت که هر یک از طریق ابزار رسانه‌ای خود مطرح شده و در شکل‌گیری انقلاب اسلامی نقش ایفا کرده‌اند. مهم‌ترین این گفتمان‌ها، گفتمان‌های مذهبی و مارکسیستی بودند که هر یک سخنگویان، مخاطبان و ابزار تبلیغی خاص خود را داشتند. هر یک از دو گفتمان مذهبی و مارکسیستی از افراد و نیروهای فکری خود برخوردار بودند و آثارشان تاثیر بسزایی در خوانندگان و مخاطبان باقی گذاشته بود.

در زمره‌ی کتاب‌های گفتمان مارکسیست می‌توان به آثار افرادی همچون احسان طبری (کژراهه)، بیژن جزنی (تحلیل موقعیت نیروهای انقلابی در ایران)، مصطفی شعیان (تزی برای تحرک)، نورالدین کیانوری (حزب توده و مسائل میهن انقلابی ما، خاطرات نورالدین کیانوری)، علی میهن دوست (تکامل-کار)، عبدالرضا نیک بین رودسری (مبارزه چیست؟، چه باید کرد؟)، صمد بهرنگی (ماهی سیاه کوچولو، تلخون، ۲۴ ساعت در خواب و بیداری، یک هلو هزار هلو، پیرزن و جوجه طلایی اش، افسانه محبت، پسرک لبو فروش) و غیره اشاره کرد.

هر یک از آثار فوق نقش بسزایی در روند و شکل‌گیری اندیشه‌های انقلابی متفاوت در میان نخبگان و جریان‌های سیاسی انقلابی داشته است چرا که در فضای انقلابی دهه منتهی به انقلاب اسلامی، هر اثری از جمله کتاب، جزوه، شعر، رمان، سخنرانی، نوار کاست که جوانان را به لحاظ ادراکی و انگیزشی ترغیب به انقلاب می‌کرد مورد توجه و اقبال قرار می‌گرفت. اما در این بازه زمانی کتاب به عنوان مهم‌ترین منبع فکری این گفتمان‌ها بود و ابزاری جهت ترویج و بسط گفتمان‌های انقلابی در میان جریان‌های مذهبی، ملی‌گرا و مارکسیست به شمار می‌رفت. انقلابیون، چه کسانی که وارد حوزه سیاسی می‌شدند و مبارزه مخفی می‌کردند و چه کسانی که نقش آگاهی بخشی داشتند، از کتاب برای پخش و گسترش افکار انقلابی استفاده می‌کردند. برای مثال تاثیرگذارترین آثار مربوط به ملازمت بین دین و علم، کتاب‌های مهندس بازرگان بود. همچنین در دسترس گرفتن گفتمان‌های انقلابی به صورت کتاب باعث بوجود آمدن شبکه‌های انقلابی انتشار و توزیع کتاب می‌شد و این امر سطح فعالیت‌های انقلابی را ارتقا می‌بخشید و به این ترتیب نسل انقلابی به خصوص جوانان در معرض افکار و اندیشه‌ها و فعالیت‌های انقلابی قرار می‌گرفتند.

با توجه به مطالب فوق و مشخص شدن نقش کتاب‌های تاثیرگذار در ترویج و اشاعه گفتمان‌های انقلابی در فرآیند انقلاب اسلامی، این مقاله به دنبال تحلیل محتوای آثار گفتمان

مارکسیستی در فرایند انقلاب اسلامی با استفاده از روش نظریه تحلیل گفتمان جیمز پل جی و سپس مقایسه اجزا و عناصر و مولفه های گفتمان های آنهاست. با مشخص شدن مضامین گفتمانی این کتاب ها، چرایی و چگونگی جهت گیری های جریان های سیاسی حاضر در فرآیند انقلاب اسلامی مشخص و حتی چرایی کنش های آنها پس از پیروزی انقلاب قابل تبیین خواهد شد. همچنین مضامین و محتوای اصلی گفتمان های اصلی انقلابی مشخص و معیاری برای ارزشیابی این جریان های فکری به دست خواهد آمد. برای حصول به چنین اهدافی سوال اصلی این مقاله آن است که تحلیل محتوای آثار گفتمان مارکسیسم در انقلاب اسلامی بر اساس روش نظریه جیمز پل جی به چه صورت است؟

۱. مبانی نظری

گفتمان نظامی است که به مخاطب می گوید چگونه زبان را در موقعیت های کاربردی یا بافت های خاص درک کرده و به کار برد (براون و یول، ۱۹۸۳). تحلیل گفتمان عبارت است از فراتر رفتن از صورت های قابل رویت زبان و رسیدن به زمینه های اجتماعی و کشف رابطه ی متقابل میان زبان و فرایندهای اجتماعی (فاضلی، ۱۳۸۳: ۸۴). به بیان دیگر تحلیل گفتمان مطالعه زبان در

کاربرد واقعی آن در جهان است؛ یعنی مطالعه زبانی که نه فقط برای بیان چیزها به کار می‌رود، بلکه برای انجام چیزها نیز به کار می‌رود. رویکردهای مختلفی در تحلیل گفتمان وجود دارد که برخی از آنها در قلمرو رشته زبان‌شناسی قرار می‌گیرند و رابطه تنگاتنگی با مطالعه دستور زبان دارند. برخی دیگر از رویکردهای تحلیل گفتمان در ارتباط نزدیک با جزئیات دستوری زبان نیستند ولی با ایده‌ها، مسائل و موضوعاتی که در زبان‌گفتاری و نوشتاری بیان می‌شوند دارای پیوندند.

یکی از نظریه‌های مربوط به تحلیل گفتمان، نظریه تحلیل گفتمان جیمز پل جی است. نظریه گفتمان پل جی یکی از مهمترین و کارآمدترین نظریه‌ها در توصیف ساختار یک متن و دستیابی به عناصر زبانی آن و روابط میان این عناصر است. جیمز پل جی، تحلیل گفتمان را چنین تعریف می‌کند: «تحلیل گفتمان عبارت است از تحلیل زبان در کاربرد آن». پل جی بر این باور است که هر نظریه تحلیل گفتمان مجموعه‌ای از ابزارهاست که به کمک آنها می‌توانیم زبان را در کاربردش تحلیل نماییم (جی، ۲۰۱۴: ۱۰۶). پل جی گفتمان را متضمن چیزی بیشتر از زبان می‌داند. از نظر او، گفتمان‌ها همواره متضمن هماهنگ کردن زبان با شیوه عمل، تعامل، ارزش‌گذاری، باورداشتن، احساس، بدن‌ها، لباس‌ها، نمادهای غیرزبانی، اشیاء، ابزارها، تکنولوژی‌ها، زمان و مکان است (جی، ۲۰۱۴: ۱۰۹).

تحلیل گفتمان استفاده شده در این مقاله دو امکان مهم را فراهم می‌کند از یک سو می‌گوید متن از چه اجزا و مولفه‌هایی تشکیل شده است و از سوی دیگر در متن چه کنش‌های زبانی انجام می‌شود که همان بیان دیگری از نوع روابط میان اجزا در درون متن است. همچنین مبتنی بر این روش‌ها می‌توان وجوه نادیده و ناگفته متون را نیز تحلیل نمود تا در نهایت به یک دریافت دقیق از ساختار حاکم بر متون دست یافت.

به باور جی یکی از استفاده‌هایی که از زبان می‌شود این است که به وسیله آن کنش‌هایی را در جهان صورت می‌گیرد. انجام این کنش‌ها توسط زبان این امکان را فراهم می‌آورد که چیزهایی که در جهان هست بهتر و راحت‌تر درک شود. هر زمان که سخنی گفته یا متنی نوشته می‌شود همیشه و به طور هم‌زمان یکی از هفت مولفه زیر در جهان واقع ساخته می‌شود. البته اغلب به صورت هم‌زمان امکان ساخت چندین مولفه در جهان وجود دارد. این مولفه‌ها که جی آنها را «هفت وظیفه‌سازی» زبان در کاربرد می‌نامد عبارتند از (جی، ۲۰۱۸، ۲۰۱۴):

۱) **اهمیت:** مخاطب از زبان استفاده می کند تا به چیزهایی در جهان معنا و ارزش ببخشد و از راه های مختلف آنها را مهم جلوه دهد. چیزهایی در جهان مانند مرگ و زندگی برای اکثر انسان ها مهم هستند. اما چیزهای دیگری نیز وجود دارند که برای برخی افراد مهم تر تلقی می شوند به این معنی که اهمیت چیزها برای افراد مختلف متفاوت است و افراد یکسان هم در موقعیت های مختلف به گونه ای متفاوت به چیزها اهمیت می دهند (جی، ۲۰۱۸: ۱۴۲). لذا می توان گفت که یک قطعه از متن برای معنادار کردن و اهمیت بخشی چیزی یا اهمیت نبخشیدن به آن چگونه عمل می کند؟

۲) **کنش ها:** زبان نه فقط برای گفتن چیزها بلکه برای انجام آنها نیز به کار می رود، حتی اطلاع دادن و آگاهی بخشی هم نوعی عمل محسوب می شود. انسان ها از طریق زبان و به کمک واژه ها فعالیت هایی انجام می دهد. در این خصوص می توان پرسید این متن درصدد است چه فعالیت یا فعالیت هایی را به دیگران محول کند تا به منزله دستاورد تلقی شود؟

۳) - **هویت ها:** انسان ها از زبان بهره می برند تا به داشتن یک هویت یا نقش خاص در جامعه شناخته شوند. برای استفاده از ابزارهای هویت ساز در تحلیل متن باید پاسخ به پرسش های زیر داده شود: گوینده می کوشد چه هویت یا هویت هایی را برای خود احراز کند یا به دیگران نسبت دهد؟

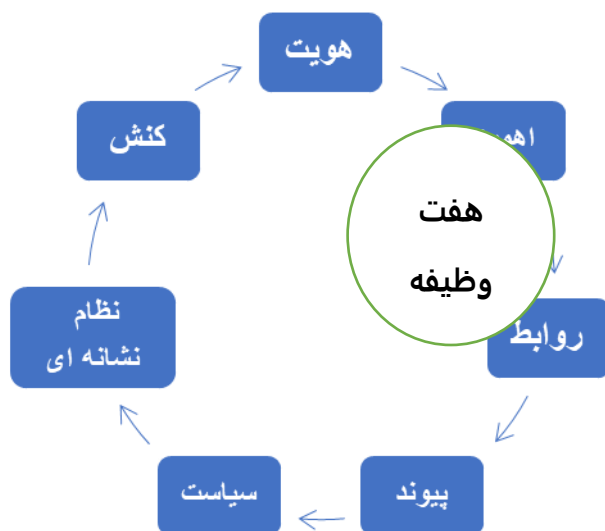
۴) - **رابطه ها:** از زبان برای ایجاد یا حفظ و تداوم روابطی از انواع گوناگون استفاده می شود. این روابط میان هویت ها برقرار می شود و از این رو پیوند تگاتنگی با ابزارهای هویت ساز دارد. برای بهره گیری از ابزارهای رابطه ساز در تحلیل متن می توان پرسش هایی از این قبیل را مطرح نمود: در متن چگونه از واژه ها و ابزارهایی دستوری برای ایجاد، حفظ یا تغییر انواع روابط میان هویت ها (گوینده، دیگر افراد، گروه های اجتماعی، فرهنگ، سازمان ها و نهادها) استفاده شده است؟

۵) - **سیاست ها (توزیع کالاهای اجتماعی):** هنگامی که جی از سیاست سخن می گوید منظور او حکومت، احزاب سیاسی یا انتخابات نیست بلکه منظور او هر موقعیت و شرایطی است که در آن توزیع کالاهای اجتماعی صورت می گیرد (جی، ۲۰۱۴: ۱۱۴). در این خصوص می توان پرسید چگونه کلمات و قطعات گرامری برای ساختن یک دیدگاه در مورد اینکه چه چیزهایی کالاهای اجتماعی هستند یا چگونه باید در جامعه توزیع شوند استفاده می شوند؟

۶- پیوندها: ارتباط بین چیزها با یکدیگر در جهان را می‌توان از زوایای مختلفی نگریست و از زبان برای ایجاد یا قطع پیوند میان چیزها استفاده می‌شود. در این خصوص می‌توان پرسید چگونه کلمات به کار رفته در متن پدیده‌ها را به هم ربط می‌دهند یا بی‌ربط می‌کنند یا به پیوندهای میان پدیده‌ها بی‌اعتنایی می‌کنند؟

۷- نظام‌های نشانه‌ای و دانش: نظام نشانه‌ای عبارت است از هر زبان خاص (مانند روسی، انگلیسی، اسپانیایی و...) یا گونه‌های متفاوتی از یک زبان (مانند زبان حقوق دان‌ها، زبان زیست‌شناسان و گویش‌های مختلف یک زبان) یا نظام‌های ارتباطی غیر زبانی (مانند نمودار، تصویر و...). همه این نظام‌های نشانه‌ای برای کسانی که آنها را به کار می‌برند دارای اهمیت‌اند. در این خصوص می‌توان پرسید: چگونه کلمات و گرامر به کار رفته در متن نظام‌های نشانه‌ای خاصی را امتیاز می‌دهند یا از امتیاز محروم می‌کنند؟ (خانیکی، ۱۳۹۴: ۲۱۱).

۲. مدل مفهومی پژوهش



مدل برگرفته از نظریه تحلیل گفتمان جیمز پل جی

۳. تحلیل محتوای آثار گفتمان مارکسیستی

در این بخش تلاش می شود با استفاده از هفت سوال نظریه تحلیل گفتمان جیمز پل جی، ساختار متن آثار مارکسیستی مانند کتاب های کژراهه اثر احسان طبری، تحلیل موقعیت نیروهای انقلابی در ایران اثر بیژن جزنی، تزی برای تحرک اثر مصطفی شعاعیان، حزب توده و مسائل میهن انقلابی ما اثر نورالدین کیانوری و ماه سیاه کوچولو اثر صمد بهرنگی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

پرسش ۱: در کتب «کژ راهه، تحلیل موقعیت نیروهای انقلابی، تزی برای تحرک، حزب توده و مسائل میهن انقلابی ما، ماه سیاه کوچولو»، چه ابعادی از واقعیت (اجتماعی و سیاسی) مهم و برجسته جلوه داده شده است؟

در بخش نخست کتاب "کژراهه" رویدادهای سیاسی و اجتماعی حزب توده برجسته شده است. در این راستا نویسنده تاریخ حزب توده را به هفت دوره تقسیم می کند: ۱- از تاسیس تا فرقه دمکرات ۲- از فرقه تا کابینه قوام ۳- از کابینه قوام تا ترور شاه ۴- از ترور شاه تا ۱۳۳۰ ۵- دوران ملی شدن صنعت نفت ۶- از کودتای ۲۸ مرداد تا متلاشی کامل حزب ۷- دوران فرار از ایران (طبری، ۱۳۵۷: ۳۹).

نویسنده در "کتاب تحلیل موقعیت نیروهای انقلابی" موقعیت اجتماعی و سیاسی نیروهای انقلابی مثل طبقه کارگر، دهقانان، خرده بورژوازی و پرولتاریا را برجسته ساخته است. نویسنده در خصوص اهمیت تحلیل موقعیت نیروهای انقلابی در ایران اشاره می کند: «تحلیل طبقاتی جامعه به شرطی می تواند به شناخت نیروهای انقلابی جامعه و در نتیجه به سازماندهی و بسیج این نیروها کمک رساند که نه تنها از ترکیب و نقش اقتصادی طبقات و قشرها شناخت علمی به ما بدهد بلکه به خصوصیات اجتماعی، فرهنگی و بالاخره موقعیت سیاسی این طبقات و قشرها بپردازد» (جزنی، بی تا: ۳).

نویسنده در این کتاب بدین گونه موقعیت طبقه کارگر را برجسته می کند: «در برخورد با مسائل

سیاسی با طبقه کارگر از دو جنبه برخورد کرده ایم. هر کجا از جنبش طبقه کارگر یاد شده مقصود جریان های سیاسی یا حرکات سازمان یافته اقتصادی است که با طبقه کارگر و ایدئولوژی آن پیوند داشته و نماینده سیاسی یا اقتصادی این طبقه به شمار رفته است. تحت این عنوان از حزب توده، اتحادیه های کارگری اصیل و گروه ها و سازمان های مارکسیست-لنینیست که پس از خرد شدن حزب توده در کشور تا به امروز ظاهر شده و فعالیت کرده اند نام برده شده است» (جزئی، ۷). نویسنده درباره موقعیت دهقانان می گوید: «پدیده های اقتصادی و اجتماعی در تقسیم بندی جمعیت روستائی اثر گذاشته و حاصل کلی آن از هم گسیختگی بیشتر دهقانان از صورت یک طبقه و تبدیل به قشرهایی که در زیربنای اقتصادی وحدت خود را از دست داده اند، بوده است» (جزئی، ۱۹).

نویسنده در **"کتاب تزی برای تحرک"** ملاحظات و محافظه کاری خاصی در ارائه پیشنهاد عملی جهت سرنگونی رژیم حاکم در نظر گرفته و در فصل سوم کتاب واقعیت سیاسی و اجتماعی جامعه را بدین گونه مهم و برجسته ساخته است: «بهتر است یک بار برای همیشه بگوئیم که غرض ما آن حالت عمومی و حاکم در میان توده هاست. نه آن حالات استثنایی و محدود که بعضی ها حاضر هستند تا آخرین رمق و با همه قوا و به شدیدترین شکل پیکار کنند. لذا لازم است پیشنهادات اولیه ای که برای کشاندن مردم به مبارزه می دهیم تا حدود امکان با این شرایط قابل تطبیق بوده باشد. پیشنهادهائی که داده می شود باید طوری که انجام آن برای هیچکس در وادی امر مسئولیتی و خطری را از طرف دستگاه ایجاد کند. هر کس به شخصه بتواند در آن شرکت کند. حتی بی آنکه در یک تشکیلات رسماً وارد شده باشد. می بایستی هر کس عملاً مبارزه را بدون اینکه خطری جدی تهدیدش کند آغاز کند و قدم به قدم وارد سهمگین ترین مبارزات، مبارزه مرگ و زندگی علیه هرگونه استعمار و پایگاه های داخلی آن شود» (شعاعیان، ۱۳۵۲: ۴۲).

نویسنده در کتاب **"حزب توده و مسائل میهن انقلابی ما"** وقایع تبریز را برجسته ساخته است: «جریان نمایش تبریز نشان داد که شعار سرنگون ساختن رژیم استبدادی شاه که رژیمی ضد ملی و ضد خلقی است به شعار واقعی همه نیروهای ناراضی استبداد و به طور مستقیم علیه شخص محمدرضا شاه دیکتاتور به عنوان مسئول درجه اول تمام بدبختی های جامعه ایران متوجه بود»
نویسنده در کتاب **"ماهی سیاه کوچولو"** واقعیت های مانند درد، گردش، آخر جویبار، رفتن،

خنجر، ماه، خارج از رودخانه، دنیا، برکه، گنده گویی، همسایه، مرغ سقا، اره ماهی، پرنده ماهیخوار، مارمولک، قورباغه، آهو، جهانگردی، دریا، ماهی ریزه، ماهی پیر، ماهی سرخ کوچولو را در کتاب خود برجسته و مهم ساخته است.

ماهی سیاه کوچولو ضرورت دنیا گردی به کفچه ماهی را بدین گونه مهم و برجسته می کند: «کفچه ماهی ها: اصلاً تو بی خود به در و دیوار می زنی. ما هر روز از صبح تا شام دنیا را می گردیم. اما غیر از خودمان و پدر و مادرمان، هیچ کس را نمی بینیم. مگر کرم های ریزه که آنها هم به حساب نمی آیند. ماهی گفت: شما که نمی توانید از برکه بیرون بروید. چطور از دنیا گردی دم می زنی؟ کفچه ماهی ها گفتند: مگر غیر از برکه، دنیای دیگری هم داریم؟ ماهی گفت: دست کم باید فکر کنید که این آب از کجا به اینجا می ریزد و خارج از آب چه چیزهایی هست. کفچه ماهی ها گفتند: خارج از آب دیگر کجاست؟ ما که هرگز خارج از آب را ندیده ایم» (بهرنگی، ۱۳۴۷: ۶).

پرسش ۲: در کتب «کژ راهه، تحلیل موقعیت نیروهای انقلابی، تزی برای تحرک، حزب توده و مسائل میهن انقلابی ما، ماه سیاه کوچولو»، کدام هویت های اجتماعی و سیاسی به نمایش گذاشته شده اند؟

نویسنده در کتاب "کژراهه" هویت های همچون رادمنش، ایرج اسکندری، کیانوری، کامبخش و رضا روستا را به نمایش می گذارد:

«رادمنش» او در یک خانواده ملاک لاهیجانی متولد شد. در جوانی چنانکه خود گواهی می دهد به نهضت جنگل علاقه مند شد. خانواده اش برای تحصیل متوسطه او را به تهران فرستادند. در اینجا در مدرسه «دارالفنون» تحصیل کرد. در ایام تحصیل، عضویت اتحادیه محصلین را که بوسیله گروهی از کمونیست ها اداره می شد پذیرفت. به هنگام اجرای نقشه اعزام محصل به اروپا، رادمنش در اولین گروه اعزامی شرکت داشت (طبری، ۱۳۵۷: ۲۷۱).

«ایرج اسکندری» او فرزند یحیی میرزا اسکندری، نوه کفیل الدوله و نتیجه محمد طاهر میرزای اسکندری، مترجم سه تفنگ دار است. مجلس شورا به او برای ادامه تحصیل در اروپا خرج تحصیل تصویب کرد و ایرج بر این اساس در ۱۶ سالگی به فرانسه رفت. در گرونوبل به همراه دوستش علی امینی حقوق تحصیل کرد و وارد ارتباط با مرتضی علوی و دکتر آرانی شد که در آلمان فعالیت کمونیست های ایرانی را سازمان می دادند. پس از بازگشت به ایران با آرانی در

انتشار مجله دنیا همکاری کرد درحالیکه به مقام قضاوت در دادگستری رضاشاهی دست یافته بود. سی ساله بود که جزء گروه ۵۳ نفر به حبس افتاد» (طبری، ۱۳۵۷: ۲۷۳).

«کیانوری» نفر سومی که در خارج از کشور به مقام دبیر اولی رسید نورالدین کیانوری بود. کیانوری چهل سال جاسوس ک.گ.ب بود. همیشه مسئول امور حساس تشکیلاتی، مسئول آشکار و مخفی سازمان‌های مختلف، مسئول سازمان ایران و غرب در خارج، مسئول کمیسیون‌های فنی برای تربیت امور غیرقانونی بود. اطلاعات عظیم و وسیع سری در حافظه فعالش ذخیره شده و چون گزارش نویسنده امنیتی بود از مطالبی با خبر بود که بر دیگران روشن نبود (طبری، ۱۳۵۷: ۲۸۰).

نویسنده در متن کتاب «**تحلیل موقعیت نیروهای انقلابی**» با بکارگیری اصطلاحات خاصی در تلاش است هویت و فرهنگ جامعه ایرانی را به بهترین شکل ممکن برای مخاطب و جامعه هدف خود تشریح کند:

طبقه کارگر «طبقه کارگر امروز نسبت به دو دهه قبل به رشد اقتصادی چشمگیری نائل شده است. طبقه کارگر ایران به بخش‌های مختلف قابل تقسیم است. این تقسیم نوعی قشر بندی طبقه کارگر است. کارگر ساده، کارگران کارگاهی و کارگران صنعتی سه قشر عمده کارگران به شمار می‌روند» (جزنی، بی تا: ۷).

خرده بورژوازی «این قشر بزرگ و متنوع را که اکثریت جمعیت شهرنشین ایران را تشکیل می‌دهد بر اساس ضوابط چندی می‌توان تقسیم کرد. بر اساس سهمی که خرده بورژوازی از تولید می‌برد به سه قشر مرفه، میانی و محروم قابل تقسیم است. این سه قشر زمینه عکس العمل‌های متفاوتی نسبت به نظام حاکم و انقلاب به شمار می‌روند» (جزنی، ۲۳).

روشنفکر «کسانی به حساب می‌آیند که مستقیماً در شکل دادن به افکار جامعه شرکت داشته و زندگی و حرفه آنها برخورد با فرهنگ جامعه را اجتناب ناپذیر می‌سازد. با این مفهوم روشنفکر در کشور ما شامل دانشجویان، معلمان، نویسندگان، هنرمندان و بخش‌های از روحانیت می‌شود و شاید برای تکمیل این فهرست فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها را که از طریق کار خود زندگی خود را تامین می‌کنند باید بر آن افزود» (جزنی، ۳۲).

نویسنده کتاب «**نزی برای تحرک**» معتقد است دستگاه حاکمه ایران با استفاده از ابزارهای مانند ارتش وسیع، سازمان امنیت، عدم اعتنای دستگاه به کلیه قوانین و امکانات وسیع تبلیغاتی هویت

اجتماعی و سیاسی خود مشروعیت ببخشد.

ارتش وسیع «این ارتش هر چند در مقابل تهاجمات نظامی خارج از مرز کمترین مقاومتی را ندارد و هر چند که اصولاً نه یک ارتش استراتژیکی و نه یک ارتش تاکتیکی است و در مقابل بیگانگان هیچ گونه ارزشی ندارد» (شعاعیان، ۱۳۵۲: ۳۱).

سازمان امنیت «این سازمان که در واقع هدیه پیروزی کودتا خائنانه ۲۸ مرداد است. بعد از ارتش بزرگترین قلم بودجه را علناً و یا به صورت پنهانی مصرف می کند. ربعی که این سازمان در دل ها انداخته است هر چند بیشتر جنبه تبلیغاتی و توخالی دارد معذالک باعث شده است که اغلب مردم حتی از اظهار نظر نیز نسبت به این فجایع و بیدادگری ها خودداری کنند و لذا بیش از پیش اعتبار فعال خود را از دست بدهند» (شعاعیان، ۱۳۵۲: ۳۲).

نویسنده کتاب **"حزب توده و مسائل میهن انقلابی ما"** چهارشاخه و چهار جریان نیروهای توده ای، نیروهای اسلامی، گروه های سیاسی دموکرات-ملی و نیروهای چپ غیر توده ای را به عنوان هویت های اجتماعی و سیاسی ایران معرفی می کند:

نیروهای توده ای «اعضاء و هواداران حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران تشکیل می دهند. برنامه حزب توده ایران که به مسائل مطرح در جامعه کنونی ایران به طور مشخص پاسخ می گوید مورد پذیرش است. نخستین هدف سیاسی حزب برای بازکردن راه گسترش آزاد جامعه ایران به سوی آزادی و پیشرفت اجتماعی، سرنگون ساختن رژیم استبدادی شاه است» (کیانوری، ۱۳۶۱: ۲۳). **گروه های اسلامی** «شاخه دوم جبهه نیروهای ضد استبداد آن نیروهایی را در بر می گیرد که زیر پرچم اسلام در میدان نبرد علیه رژیم خودکامه شاه، علیه غارتگری بی بند و بار رژیم، علیه تسلط امپریالیسم بر تمامی حیات اقتصادی و سیاسی و نظامی کشور غارت منابع ثروت ملی ما گام نهاده اند» (کیانوری، ۱۳۶۱: ۲۴).

گروه های سیاسی دموکرات و ملی «شاخه سوم از جنبش ضد استبدادی را گروه های سیاسی دموکرات و ملی تشکیل می دهد که کم و بیش سخنگوی بخشی از سرمایه داری ملی، روشنفکران ملی و دموکرات و بخشی از تولیدکنندگان متوسط می باشد» (کیانوری، ۱۳۶۱: ۲۶).

نیروهای چپ غیر توده ای «چهارمین شاخه نیروهای ضد استبداد را طیف وسیع نیروهای چپ غیر توده ای تشکیل می دهد. این نیروها که بسیار ناهمگون و از هدف ها و روش های گوناگون در مبارزه پیروی می کنند به طور کلی هوادار دگرگونی های بنیادی در جامعه ایران و

ساختمان نوعی از سوسیالیسم هستند» (کیانوری، ۱۳۶۱: ۲۶).

نویسنده در کتاب **"ماهی سیاه کوچولو"** هویت اصلی داستان را بدین گونه نمایش می‌دهد: **ماهی سیاه کوچولو** «ماهی سیاه کوچولو با مادرش در جویباری زندگی می‌کرد. ماهی کوچولو حسرت به دلش مانده بود که یک دفعه هم که شده مهتاب را توی خانه شان ببیند. چند روزی بود که ماهی کوچولو تو فکر بود و خیلی کم حرف می‌زد. با تنبلی و بی میلی از این طرف به آن طرف می‌رفت و بر می‌گشت و بیشتر وقت‌ها هم از مادرش عقب می‌افتاد» (بهرنگی، ۱۳۴۷: ۲).

پرسش ۳: در کتب «کژ راهه، تحلیل موقعیت نیروهای انقلابی، تزی برای تحرک، حزب توده و مسائل میهن انقلابی ما، ماه سیاه کوچولو»، رابطه‌های انسانی چگونه است؟ چه نوع روابط اجتماعی و سیاسی ساخته شده است؟

نویسنده کتاب کژراه در خصوص برخی خصوصیات اخلاقی رهبران حزب توده می‌نویسد: نویسنده در خصوص رادمنش می‌نویسد: «در ابتدا رادمنش که سیاست رخنه خود را بی عجله انجام می‌داد در داخل جنگل رهبری با احتیاط و غالباً با سکوت رفتار می‌کرد. تمایلات سیطره جوئی و استبدادی خود را آشکار ساخت. رادمنش در کوبیدن مخالفان خود سخت کین جویانه و پیگیر عمل می‌نمود» (طبری، ۱۳۵۷: ۲۶۹). نویسنده در خصوص رابطه اجتماعی و سیاسی ایرج اسکندری می‌نویسد: «اسکندری خلق و خوی باز و آمیزش دوستی داشت. با طنزگوئی با جلب به بازی کارت و قمار، با کارگشائی ایرانیان را از باکو تا لاپزیگ به خود جلب می‌کرد. از امکانات خود برای ترتیب مسافرت و خوش گذراندن در شهرهای مختلف اروپا اعم از شرقی یا غربی حداکثر استفاده را می‌کرد. (طبری، ۱۳۵۷: ۲۷۲).

نویسنده در خصوص کیانوری می‌نویسد: «فرد خودخواه شدید، جاه طلب، رفتار خشن و رنجاننده، تک روی، مخفی کاری از جمع، لب بستگی و پنهان کاری و نظیر آن در حزب برای همه روشن بود. در نظر عده‌ای که کینه کیانوری را نداشتند این تصور ریشه داشت که کیانوری با همه معایب آشکار خود به علت انرژی کار و لیاقت بهتر از رقیبان خویش قادر است گاری شکسته حزب توده را از گل مهاجرت بیرون بکشد» (طبری، ۱۳۵۷: ۲۷۷).

نویسنده در کتاب **"تحلیل موقعیت نیروهای انقلابی در ایران"** از چندگونه روابط اجتماعی و سیاسی یاد می‌کند: روابط کارگر جدید و قدیمی، رابطه سرمایه گذاری های خارجی بر کارگاه

های قدیمی و رابطه فقدان فتودالیسم و وضعیت اجتماعی و اقتصادی روحانیت.

نویسنده در این کتاب به تشریح رابطه کارگر جدید و قدیمی می پردازد «درحالیکه کارگران قدیمی و کارگران جوان در کارگاه ها و مراکز واحدی کار می کنند، مرزهای روشنی آنها را از یکدیگر جدا کرده است. کارگران قدیمی از نظر سن، تخصص و میزان درآمد و مسئولیت های خانوادگی از کارگران جوان قابل تشخیص اند. این کارگران که یک یا دو دوره جنبش اقتصادی و سیاسی را از سرگذرانده اند، علی رغم عدم تحرک و محافظه کاری نسبی که ناشی از موقعیت سنی و حرفه ای آنها می شود، از فرهنگ و آگاهی طبقاتی نسبی برخوردارند، معذالک جدایی آنها از نسل جوان طبقه کارگر، آثار جبران نشده شکست دو دهه قبل که در این کارگران یاس، بدبینی و خودخواهی های فردی را دامن زده، مانع بزرگی در انتقال این آگاهی به قشرهای جوان است» (جزئی، بی تا: ۸).

نویسنده در فصل چهارم کتاب **"تزی برای تحرک"** به روابط مهم فی مابین نهضت و روحانیون می پردازد: «بزرگترین قدرت تبلیغاتی میهن ما در دست جامعه روحانیت است. امکانات تبلیغاتی این جامعه رو دست ندارد. در دور افتاده ترین و فقیرترین دهات ایران بالاخره یک مسجد یافت می شود. در حقیقت هیچ سازمانی در ایران بیش از روحانیون در بین مردم نبوده و از امکانات تبلیغاتی بهره مند نیست» (شعاعیان، ۱۳۵۲: ۵۱).

نویسنده کتاب **"حزب توده و مسائل میهن انقلابی ما"** در خصوص ارتباط و اتحاد میان حزب توده ایران و سایر نیروهای ضد استبداد می نویسد: «آتش فروزانی که در تبریز شعله کشید خون های گرم و سرخ و مبارزان مارکسیست و مسلمان که در میدان ها و خیابان ها و کوچه های تبریز به زمین ریخته شد وظیفه بسیار سنگینی را به دوش همه گروه های سیاسی فعال ضد استبداد در ایران می گذارد که از این آموزش های گران بهای رویداد تبریز پند بگیرند و تمام تلاش های خود را در جهت خواست قلبی مردم جانباز سراسر ایران یعنی اتحاد نیروها، ایجاد ستاد رهبری متحد و مبارز تجهیز نمایند و با پیش بردن بدون وقفه جنبش در راه نبرد قطعی برای سرنگون ساختن رژیم استبدادی به کار اندازند» (کیانوری، ۱۳۶۱: ۱۶).

نویسنده کتاب **"ماهی سیاه کوچولو"** درباره نحوه برقراری ارتباط ماهی سیاه کوچولو با سایر موجودات چنین توضیح می دهد: «ماهی سیاه کوچولو از مارمولک پرسید: در راه مرا خیلی از مرغ سقا و اره ماهی و پرند ی ماهیخوار می ترساندند اگر تو چیزی درباره ی این ها می دانی

به من بگو. مارمولک گفت: اره ماهی و پرنده ماهیخوار این طرف‌ها پیدایشان نمی‌شود مخصوصاً اره ماهی که توی دریا زندگی می‌کند اما سقائک همین پایین‌ها هم ممکن است باشد. مبادا فریبش را بخوری و توی کیسه اش بروی. ماهی گفت: چه کیسه‌ای؟ مارمولک گفت: مرغ سقا زیر گردنش کیسه‌ای دارد که خیلی آب می‌گیرد. او در آب شنا می‌کند و گاهی ماهی‌ها ندانسته وارد کیسه او می‌شوند و یگراست می‌روند توی شکمش. البته اگر مرغ سقا گرسنه اش نباشد ماهی‌ها را در همان کیسه ذخیره می‌کند که بعد بخورد. ماهی گفت: حالا اگر ماهی وارد کیسه شد، دیگر راه بیرون آمدن ندارد؟ مارمولک گفت: هیچ راهی نیست مگر این که کیسه را پاره کند. من خنجری به تو می‌دهم که اگر گرفتار مرغ سقا شدی این کار را بکنی» (بهرنگی، ۱۳۴۷: ۸).

پرسش ۴: در کتب «کژ راهه، تحلیل موقعیت نیروهای انقلابی، تزی برای تحرک، حزب توده و مسائل میهن انقلابی ما، ماه سیاه کوچولو»، چه نوع پیوندهای معناداری میان چیزها (اشیاء، رویدادها، پدیده‌ها، جمله‌ها و...) با یکدیگر و همچنین میان چیزها و افراد، ایجاد شده است؟

نویسنده در کتاب "کژراهه" پیوند معناداری میان رادیو ملی، رادیو پیک ایران، مجله صلح و سوسیالیسم و حیات حزب توده برقرار می‌کند: نویسنده در خصوص مجله مسائل صلح و سوسیالیسم می‌نویسد: «چکسواکی کشوری است که از جهت محل دبیرخانه مجله مسائل صلح و سوسیالیسم مورد توجه بود. حزب توده در هیئت تحریریه این مجله نماینده داشت. ابتدا اردشیر و بعد صفری نماینده حزب توده در این هیئت تحریریه شدند که در آن تقریباً پنجاه حزب برادر از مجموع هشتاد حزب کمونیست نماینده داشتند. مخارج هنگفتی برای نتیجه‌ناچیزی صرف شد. صدها کارمند این موسسه، حقوق، منزل، اثاث، درمانگاه، استراحت هر هفته، رستوران دریافت می‌داشتند و در قبال آن جز بحث‌های موهوم و پرکردن مجله‌ای که خواننده و نقشی چندان محسوس نداشت کار دیگری نداشتند» (طبری، ۱۳۵۷: ۲۱۷).

در کتاب "تحلیل موقعیت نیروهای انقلابی در ایران" پیوندهای معناداری بین اشیا، رویدادها، پدیده‌ها و جمله‌ها دیده می‌شود که به شرح ذیل می‌باشد. «شناخت طبقات بر اساس رابطه آنها با مالکیت و وسائل تولید و نقش آنها در سازمان اجتماعی کار و نتیجه این دو سهمی که از تولید می‌برند ما را به تعیین نقش اقتصادی طبقات و قشرها قادر می‌سازد» (جزنی‌ع). رشد

بورژوازی کمپرادور و سرمایه گذاری های خارجی به رشد بیشتر طبقه کارگر منجر می شود. درحالیکه کار در کارگاه های عقب مانده تعطیل می شود، کار در صنایع و معادن و روی ماشین افزایش می یابد. در حالیکه صاحبان کارگاه های قدیمی یعنی پیشه وران و سرمایه داران کوچک در حال زوال اند. طبقه کارگر پا به پای رشد سیستم فعلی رشد می کند. موج قطع ناشدنی مهاجرت از روستا به شهر ادامه می یابد. پیشه وران و کسبه قطبی شده اکثریت آنها به صف کارگران می پیوندند» (جزئی، بی تا: ۱۰).

نویسنده در بخشی از کتاب **"تزی برای تحرک"** با بهره گیری از اصطلاحاتی مانند نهضت ملی، استعمار، امپریالیست و دستگاه حاکمه ایران در تلاش است با مقایسه استعمار در هندوستان و ایران پیوند معناداری میان استعمار در ایران و دستگاه حاکمه ایران برقرار کند: « نهضت ملی ایران همان طوری که از نامش پیداست یک نهضت ضد استعمار و ملی است و در واقع لبه تیز شمشیر مبارزات ملت ما قبل از هر چیز در اوضاع کنونی می تواند متوجه استعمار و حکومت وابسته به آن باشد. استعمار در میهن ما دارای صراحتی بدان صورت که در کشورهای تمام مستعمره متداول است نیست. برای نهضت هندوستان نشان دادن استعمار بسیار ساده بود. زیرا مردم از نزدیک کسانی را که در بالای سر خود می دیدند که از کشورشان نبودند و از میان ملتشان برنخاسته بودند» (شعاعیان، ۱۳۵۲: ۲۹).

نویسنده در کتاب **"حزب توده و مسائل میهن انقلابی ما"** با استفاده از واژه های چون جانبازی، نبرد، سنگ خیابانی، تانک، کارد به استخوان و پشت بام در تلاش بود میان نمایش مردم تبریز و سرنگونی رژیم شاه پیوند برقرار کند: «نمایش عظیم مردم تبریز نمودار بارز آمادگی پر دامنه مردم برای مبارزه و جانبازی در راه رسیدن به خواست های ملی و دموکراتیک خویش است. این آمادگی که تظاهر آن نبرد چندین ساعته ده ها هزار مردم که جز دست های خود و سنگ های خیابان سلاحی نداشتند با وحشی ترین بخش نیروهای تا دندان مسلح استبداد که با تانک های سنگین برای سرکوب مردم به آنها می تاختند به روشنی نشان داد که واقعاً کاسه صبر مردم لبریز شده و کارد به استخوانشان رسیده و حاضرند جان خود را برای رسیدن به هدف های خود به خطر اندازند» (کیانوری، ۱۳۶۱: ۱۱).

نویسنده در کتاب **"ماهی سیاه کوچولو"** سعی در ایجاد پیوند معنادار میان اشیا داشت: «خانه ماهی سیاه کوچولو و مادرش پشت سنگ سیاهی بود. زیر سقفی از خزه، شب ها، دوتایی زیر

خزه‌ها می‌خوابیدند. مادر ماهی سیاه کوچولو نگاه سوء ظنی به رفتارهای فرزندش دارد: «من هیچ فکر نمی‌کردم بچه‌ی یکی یک دانه ام اینطوری از آب در بیاید. نمی‌دانم کدام بد جنسی زیر پای بچه‌ی نازنینم نشسته! ماهی کوچولو گفت: هیچ کس زیر پای من نشسته. من خودم عقل و هوش دارم و می‌فهمم چشم دارم و می‌بینم. همسایه به مادر ماهی کوچولو گفت: خواهر، آن حلزون پیچ پیچیده یادت می‌آید؟ مادر گفت: آره خوب گفتم، زیاد پایی بچه‌ام می‌شد. بگویم خدا چکارش کند. ماهی گفت: بس کن مادر! او رفیق من بود. مادرش گفت: رفاقت ماهی و حلزون دیگر نشنیده بودیم» (بهرنگی، ۱۳۴۷: ۴).

پرسش ۵: در کتب «کثر راه، تحلیل موقعیت نیروهای انقلابی، تزی برای تحرک، حزب توده و مسائل میهن انقلابی ما، ماه سیاه کوچولو»، چه پرکتیس‌هایی (کنش‌های اجتماعی) چه زبانی و چه غیرزبانی در برابر مسائل صورت گرفته است؟

نویسنده در کتاب "کثر راه" در خصوص کنش حزب توده در دوره سوم خود می‌نویسد: «در این ایام که حزب توده فقط در تهران و تنها نیمه جانی داشت کسانی پیدا می‌شوند که این نیمه جان را در کف سیاست‌های مخاطره‌آمیز تروریسم قرار می‌دهند. گروه ضربتی تحت رهبری خسرو روزبه به دست عباسی به جان محمد مسعود، مدیر روزنامه مرد امروز سوء قصد می‌کند و او را به قتل می‌رساند». نویسنده اضافه می‌کند: «درست در همین ایام تیراندازی ناصر فخرآرایی به شاه در دانشگاه انجام می‌گیرد. بدین ترتیب به دست کسانی از متعلقان حزب توده بهانه‌های «مقنعی» برای غیرقانونی شدن حزب ایجاد می‌شود» (طبری، ۱۳۵۷: ۳۲).

نویسنده در کتاب "تحلیل موقعیت نیروهای انقلابی در ایران" معتقد است کنش‌های نیروهای انقلابی با جایگاهی که نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای آنان تعریف کرده است، رابطه دارد. نویسنده در خصوص کنش طبقه کارگر اشاره دارد: «طبقه کارگر از اولین قدم‌های تولد خود شروع به جذب کردن و نمایان ساختن فرهنگ خود ولو به صورت خام و ابتدائی می‌کند. این رشد خودانگیخته فقط به شرطی می‌تواند تمام خصلت‌های فرهنگی طبقه خود را به منصفه ظهور برساند که با جنبش‌های وسیع و پیاپی این طبقه همراه گردد» (جزئی، بی تا: ۱۵).

نویسنده کتاب درباره خود انگیختگی در قشرهای مختلف خرده بورژوازی توضیح می‌دهد: «از جنبه دیگر قشرهای زوال‌یابنده درحالی‌که حالت بالفعل تری در اعتراض دارند و آینده تاریک آنها در جنبش سیاسی و زحمتکشان منعکس می‌گردد و در حالت خود انگیخته خود زمینه‌ای

از خشم نومیدانه دارند. این قشرها درحالیکه برای نجات خود از سقوط اعتراض می کنند به این شعار نزد طبقه کارگر که «مرگ به از این زندگی است» دست نمی یابند» (جزئی، ۳۰). نویسنده کتاب در خصوص کنش اجتماعی و سیاسی بورژوازی ملی اشاره می کند: «از جنبه اجتماعی و سیاسی، سنن سیاسی بورژوازی ملی با حدود یک قرن مبارزه در قشرهای خرده بورژوازی ریشه دوانده است. این سنت های چیزی نیست که با ضعف اقتصاد بورژوازی ملی از جامعه ما رخت بریند» (جزئی، ۳۷).

نویسنده کتاب **"تزی برای تحرک"** دو مبنا و کنش را جهت مبارزه پیشنهاد می دهد: «بعضی سازمان ها و محافل مبنائی برای مبارزه انتخاب کرده و در همان پایه روش هائی نیز برای مبارزه ارائه می دهند. روی هم رفته می توان گفت که فعلاً دو پیشنهاد کلی جهت مبنای مبارزه وجود دارد که یکی شعارهای سیاسی و دیگری شعارهای اقتصادی است» (شعاعیان، ۱۳۵۲: ۲۵). نویسنده کتاب جهت مبارزه و مواجهه عملی با رژیم حاکم پیشنهادات اقتصادی از جمله خارج کردن پول ها از بانک، تحریم راه آهن، تحریم دخانیات، گمرکات، تحریم روزنامه، عدم پرداخت اقساط زمین توسط دهقانان، تحریم بلیط های بخت آزمایی، تحریم قند و شکر و... در نظر می گیرد.

نویسنده در خصوص کنش خارج کردن پول ها از بانک ها می نویسد: «این یک نوع شعار برای مبارزه اقتصادی است. در این مبارزه همه کس به شخصه قادر است در مورد اموال خود تصمیم بگیرد. هر کس به شخصه قادر است بی آنکه در سازمانی هم وارد شده باشد پول خود را از بانک ها خارج کند و بدین ترتیب در مبارزه علیه دشمنان ملت شرکت کند. خارج کردن پول ها از بانک ها یعنی واژگون شدن همه روابط اقتصادی کشور یعنی چنان مبارزه ای که نه تنها دستگاه حاکمه ایران بلکه دستگاه حاکمه ایالات متحده هم قادر نیست در مقابل این قهر و اقدام عمومی اگر در آن کشور علیه ش به حرکت درآید استقامت کند» (شعاعیان، ۱۳۵۲: ۴۳). نویسنده در خصوص تاثیر و میزان کارایی کنش تحریم راه آهن می نویسد: «درصدی از درآمد دولت را راه آهن تامین می کند. تمام کارمندان و کارگران راه آهن نیز از سود حاصله این انحصار زندگی می کنند. تحریم راه آهن نه تنها باعث می شود که این پول از بودجه دولت به نسبت تعیین کننده ای کم شود بلکه انگیزه ای برای طغیان کارمندان و کارگران راه آهن علیه دستگاه نیز خواهد شد» (شعاعیان، ۱۳۵۲: ۴۴).

نویسنده کتاب "حزب توده و مسائل میهن انقلابی ما" در خصوص واکنش های رژیم شاه در برابر کنش های نیروهای ضد رژیم، پنج کنش مهم و راهبردی را افشا می کند: « شیوه اول- تشدید فشار تا حد کشتار مبارزان راه آزادی، دزدیدن و محو اجساد کشته شدگان، پرکردن زندان ها و تبعیدگاه ها. با این دارو رژیم می کوشد از گسترش سریع شعله های آتشی که برافروخته شده و از آتش خشم مردم جلوگیری کند» (کیانوری، ۱۳۶۱: ۳۰). نویسنده در ادامه می نویسد: « شیوه دوم استفاده از باندهای آدم کش اوباش و ماموران ساواک با لباس شخصی. همیشه یکی از ابزارهای نیروهای ارتجاعی توسل به اوباش و کارکنان بدون اونیفورم دستگاہ های جنابت بار خود بوده است»

نویسنده اضافه می کند: «شیوه سوم عوام فریبی است. با آنکه این شیوه کهنه که در سال های گذشته اثراتی در زمینه خام کردن مردم داشت اکنون به تدریج تاثیر و نفوذ خود را از دست می دهد ولی هنوز هم رژیم این شیوه را به عنوان یکی از عمده ترین نوش دارو برای همه دردها به کار می برد. برای عوام فریبی کالاهای زیادی در بازار ایران عرضه می شود: یکی از آنها اعطای آزادی از طرف شاه، ایجاد فضای آزاد طبق فرمان ملوکانه و نظایر آنهاست» (کیانوری، ۱۳۶۱: ۳۱). نویسنده در ادامه می گوید: «شیوه چهارم مخالفین خود را از هم جداساز، میان آنان تفرقه انداز و یک به یک را سرکوب کن. اکنون که رژیم استبدادی شاه می بیند که شیوه های دیگرش اثر محسوس نمی بخشد و بحران روز به روز شدت و گسترش پیدا می کند؛ می کوشد که این شیوه را وسیله نجات خود قرار دهد. رژیم این سیاست را در چهارچوب های مختلفی به کار می برد و می کوشید میان جناح های گوناگون جنبش ضد استبدادی تخم سوء ظن، عدم اعتماد و در صورت امکان دشمنی و کینه توزی را بیفشانند و از این راه نزدیکی، تبادل فکر، اتحاد میان آنان را غیر ممکن سازد» (کیانوری، ۱۳۶۱: ۳۲).

نویسنده شیوه پنجم را بدین گونه تشریح می کند: «در پیوند با همین چاره جویی است که رژیم بهره برداری از آخرین شیوه خود را مورد مطالعه قرار داده است که محتوای آن "کنار آمدن" با بخشی از نیروهای مخالف رژیم برای سرکوب بخش های مبارز و آشتی ناپذیر آن است. آمریکایی ها و انگلیسی ها از شاه می خواهند که با آن دسته هایی از مخالفان که برای امپریالیسم خطری به وجود نمی آورند کمی کنار بیاید و به خشونت ساواکی کمی آب و رنگ تازه بزند و با دادن برخی امتیازات این گروه ها و شخصیت ها را از انبوه مردم ناراضی جدا کند و با کمک

آنها در میان نیروهای مخالف رژیم تفرقه بیندازد (کیانوری، ۱۳۶۱: ۳۵).

نویسنده کتاب "ماهی سیاه کوچولو" در خصوص کنش معطوف به حرکت ماهی سیاه کوچولو و رفتن از خانه را بدین گونه تبیین می کند: «نه مادر! من دیگر از این گردش ها خسته شده ام، می خواهم راه بیفتم و بروم بینم جاهای دیگر چه خبرهایی هست. ممکن است فکر کنی که یک کسی این حرف ها را به ماهی کوچولو یاد داده اما بدان که من خودم خیلی وقت است در این فکرم. البته خیلی چیزها هم از این و آن یاد گرفته ام؛ مثلاً این را فهمیده ام که بیشتر ماهی ها، موقع پیروی شکایت دارند. من می خواهم بدانم که راستی راستی زندگی یعنی اینکه توی یک تکه جا، هی بروی و برگردی تا پیر بشوی و دیگر هیچ، یا اینکه طور دیگری هم توی دنیا می شود زندگی کرد؟ (بهرنگی، ۱۳۴۷: ۳).

نویسنده تاثیر حرف های ماهی سیاه کوچولو بر سایر ماهی ها را بدین گونه می نویسد: «ماهی سیاه کوچولو صبح زود بیدار شد. بالای سرش چند تا ماهی ریزه دید که با هم پچ پچ می کردند. تا دیدند ماهی سیاه بیدار شد. یکصدا گفتند: صبح به خیر! ماهی سیاه زود آنها را شناخت و گفت: صبح بخیر! بالاخره دنبال من راه افتادید! یکی از ماهی های ریزه گفت: آره اما هنوز ترسمان نریخته. یکی دیگر گفت: فکر مرغ سقا راحتان نمی گذارد. ماهی سیاه گفت: شما زیادی فکر می کنید. همه اش که نباید فکر کرد. راه که بیفتیم. ترسمان به کلی می ریزد» (بهرنگی، ۱۳۴۷: ۱۰).

پرسش ۶: در کتب «کژ راهه»، تحلیل موقعیت نیروهای انقلابی، تزی برای تحرک، حزب توده و مسائل میهن انقلابی ما، ماهی سیاه کوچولو»، چه نوع سیاستی درباره توزیع منافع (خیرهای) اجتماعی وجود دارد؟ چه چیزها و کسانی برای به دست آوردن منافع اجتماعی (چیزهایی نظیر ثروت، جایگاه، قدرت، پذیرفته شدن و...) شایسته، مناسب، معمولی، خوب یا قابل قبول هستند یا بر عکس نیستند؟ چه چیزها یا کسانی خوب یا بد (مثبت یا منفی؛ خیر یا شر) هستند؟

نویسنده کتاب "کژراهه" به انتقاد از حزب توده در خصوص ملی شدن صنعت نفت می پردازد: «حزب از این محیط مساعد حزب توده بسیار بد استفاده کرد. به ابتکار قاسمی و کیانوری از همان ابتدا با شعار ملی کردن نفت مخالفت شد و هیئت اجرائیه با اتکاء به اقتدار کلمه رهبری سیاست سراپا غلط و خیانت آمیز خود را بر طیف وسیع جمعیت تحت نظر خود تحمیل کرد.

حزب می‌کوشید با استفاده از تضادهای هیئت حاکمه مبارزه متفق را مانع شود و با راه انداختن دو حادثه فتنه انگیز (نمایش خونین ۲۳ تیر حزب و تظاهر خونین ۱۴ آذر سازمان جوانان) کار ارتجاع را برای سرکوب مردم تسهیل کرد و بعدها با اتخاذ سیاست عدم مقاومت کامل در مقابل کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در واقع دستیار ارتقاء ارتجاع بر تخت استبداد شد» (طبری، ۱۳۵۷: ۳۴).

در کتاب **"تحلیل موقعیت نیروهای انقلابی در ایران"** نویسنده نگاه منفی به نوع سیاست هژمونی کردن ایدئولوژی مارکسیسم در نظام آموزش ایران دارد و معتقد است رویکرد نظری بر وجه عمل‌گرایی غلبه دارد: «متأسفانه در این مسئله نیز مارکسیسم بد آموخته شده، ذهنی و مدرسه‌ای مثل همیشه به جای این که راهنمایی در عمل باشد وسیله‌ای برای گواهی در عمل شده است. در میان این گرایش سطحی عالم نمایانه ما به مارکسیست‌های بر می‌خوریم که نه تنها در پرتو ایدئولوژی علمی طبقه کارگر، راه را بهتر از آنانکه با شناخت علمی پدیده‌های اجتماعی سروکار ندارند، نمی‌شناسند بلکه مارکسیسم در دست این افراد به آیات بی‌مصرفی تنزل یافته است. همواره بین این سطحی انگاشتن مارکسیسم-لنینیسم و درک عمیق و خلاق آن مبارزه بوده و خواهد بود» (جزنی، بی تا: ۳).

نویسنده در کتاب **"تزی برای تحرک"** نقدهای به سیاست شعارهای سیاسی نهضت وارد می‌کند و معتقد است محتوای این نوع شعارها منجر به حرکت و اقدام در جهت رسیدن به آرمان‌ها و اهداف نهضت نخواهد شد لذا بدین گونه از طرفداران شعارهای سیاسی انتقاد می‌کند: «آنها که مدافع شعارهای سیاسی هستند مبنای مبارزه را مبارزه علیه دیکتاتوری اعلام می‌کنند و خیال می‌کنند که اگر بر این پایه شعارهای ارائه دهند می‌توانند بدین وسیله کلیه نیروها را علیه این دستگاه دیکتاتوری به میدان کشند و نهضت را به میان مردم برند و بحران حل و رفع کنند و مبارزه را رونق دهند ولی ما ضمن اینکه نسبت به دیکتاتوری و قانون شکنی و آزادی‌کشی نهایت نفرت و خصومت را داریم معذالک نمی‌توانیم منطقاً قبول کنیم که نفرت از دیکتاتوری می‌تواند در حال حاضر نهضت ملی را که از مردم دور مانده به یک نهضت به اصطلاح توده‌ای و جمعی مبدل نماید. زیرا با توجه به سطح نازل درک عمومی، با توجه به این که مدت چهار سال کلمه "قنون" به عنوان شعار سیاسی به جای کلمه "دیکتاتوری" که از لحاظی نیز وسیعتر و اصولی‌تر می‌باشد نشسته بود و نهضت را نه تنها کمترین تحرکی نبخشید بلکه انگیزه‌ای برای ایجاد و تحکیم دیکتاتوری ظلمانی حاضر نیز شد» (شعاعیان، ۱۳۵۲: ۲۶).

نویسنده در کتاب "حزب توده و مسائل میهن انقلابی ما" حوادث شهر تبریز را به عنوان یک الگوی خاص برای سایر شهرهای ایران در نظر می‌گیرد و آن را به عنوان یک نمونه و سیاست موفق مثال می‌زند. در این راستا نویسنده جنبش دلیرانه مردم تبریز را بدین گونه تعریف و تمجید می‌کند: «نمایش مردم تبریز عظیم‌ترین برآمد توده‌ای سال‌های اخیر در ایران است. در تمام دوران خفقان سال‌های اخیر ایران علی‌رغم آنکه نیروهای ساواک و پشتیبان آنها در ارتش و پلیس می‌کوشیدند هر گونه تظاهر ناخشنودی مردم را در نطفه خفه سازند در این جا و آنجا چه به صورت اعتصابات کارگران و کارمندان، چه به شکل تظاهرات دانشجویان و جوانان و قشرهای متوسط شهری ناخشنودی مردم تظاهر می‌کرد. ویژگی بسیار مهم جنبش تبریز در این است که برای اولین بار سیل ناخشنودی مردم این چهارچوب تنگ را در هم شکست و نمایشی که بامداد شنبه ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ با گردآمدن چند هزار نفر در جلو مساجد آغاز گردید» (کیانوری، ۱۳۶۱: ۹).

نویسنده در کتاب "ماهی سیاه کوچولو" به انتقاد از سیاست یک‌جانشینی، بی‌توجهی به جهان پیرامون، تلف کردن عمر خود و عدم تحرک همسایه‌ها و دوستان خود می‌پردازد. لذا نویسنده انتقاد ماهی سیاه کوچولو از همسایه خود را بدین گونه نشان می‌دهد: «خانم! من نمی‌دانم شما (عالم و فیلسوف) به چه می‌گویید. من فقط از این گردش‌ها خسته شده‌ام و نمی‌خواهم به این گردش‌های خسته‌کننده ادامه بدهم و الکی خوش باشم و یک دفعه چشم باز کنم ببینم مثل شماها پیر شده‌ام و هنوز همان ماهی چشم و گوش بسته‌ام که بودم» (بهرنگی، ۱۳۴۷: ۴). ماهی کوچولو از قورباغه که می‌گفت من آنقدر عمر کرده‌ام که بفهمم دنیا همین برکه است انتقاد کرد: «صد تا از این عمرها هم که بکنی باز هم یک قورباغه‌ی نادان و درمانده بیشتر نیستی» (بهرنگی، ۱۳۴۷: ۶).

پرسش ۷: در کتب «کژ راهه، تحلیل موقعیت نیروهای انقلابی، تزی برای تحرک، حزب توده و مسائل میهن انقلابی ما، ماهی سیاه کوچولو»، کدام نظام‌های نشانه‌ای و دانش (معرفت)، مناسب، معتبر و دارای امتیاز دانسته شده است؟

نویسنده در کتاب "کژراهه" گفتمان حاکم بر کتاب را نقد حزب توده و مارکسیسم می‌داند. نویسنده در این کتاب می‌نویسد: «حزب مارکسیست‌ها در ایران، صرف‌نظر از هر نامی که به خود نهاده باشد (سوسیال‌دمکرات، عدالت، کمونیست، توده) یک سازمان وابسته به ایدئولوژی

اروپایی و بیگانه از واقعیت جامعه ایران با تمام عواقب و نتایج ناشی از این بیگانگی بود. البته بعضی از مارکسیست‌های ایرانی کوشیدند تا این طرز تفکر را در کالبد ایرانی جای دهند ولی کوشش آنها حقیر و بی ارزش و بی فایده بود و از آنجا که مارکسیست‌های ایرانی جرئت نمی کردند از اصول ماده گرایی و انترناسیونالیسم پرولتاری گامی فراتر گذارند تمامی کوشش شان تکرار مکرر عبثی می شد که انعکاسی در حیات جامعه ایران نداشت» (طبری، ۱۳۵۷: ۲۰).

نویسنده در کتاب **"تحلیل موقعیت نیروهای انقلابی در ایران"** معتقد است واژه‌ها و اصطلاح‌ها و عبارت‌های موجود در متن کتاب، نشانگر توجه و علاقه ویژه نویسنده به آگاه‌سازی و شناخت نیروهای انقلابی نسبت به مسائل و مقتضیات جامعه است. نویسنده در این باره اشاره می کند: «علیرغم این ضعف تاریخی که تا به امروز ادامه یافته، طبقه کارگر در سال‌های که به شکست منجر شد از خودآگاهی و فرهنگ طبقاتی به مراتب بالاتری نسبت به امروز برخوردار بود. پروسه‌های اقتصادی-سیاسی که از شهریور ۲۰ آغاز و به کودتای ۳۲ پایان یافت در ایجاد خودآگاهی طبقاتی در طبقه کارگر نقش اساسی داشت. در حقیقت طبقه کارگر بدون خودآگاهی طبقاتی، بدون احساس همبستگی خود به عنوان یک طبقه، توده‌ای است متفرق و فاقد خصلت انقلابی است. کار جمعی با ماشین در مراکز متراکم در مدتی طولانی زمینه را برای همدردی و همبستگی اقتصادی و سپس سیاسی طبقه کارگر فراهم می سازد. فرهنگ طبقه کارگر که حاصل شرایط مادی زندگی اوست نه ناگهانی و به محض شروع کار در کارخانه و کارگاه بلکه در یک پروسه طولانی که ترکیبی از پروسه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است و در رابطه با طبقات و قشرهای دیگر با لمس کردن موقعیت طبقاتی خود در برابر دیگر طبقات، تکوین می یابد. طبقه کارگر، تا آن حد از فرهنگ خود و از خودآگاهی طبقاتی برخوردار است که چنین پروسه‌های را از سرگذرانده باشد» (جزئی، بی تا: ۱۱).

نویسنده در کتاب **"تزی برای تحرک"** معتقد است یکی از دال‌های مهم و اثرگذار گفتمان حاکم بر کتاب مسئله نارضایتی است که نویسنده مبنای سایر مباحث خود را بر آن پایه گذاری می کند: «ما مبنای دیگری را برگزیده ایم و آن "نارضایتی" می باشد که گریبان همه را گرفته است. این نارضایتی به حدی وسیع است که از محروم‌ترین روستائیان ورشکسته سیستان تا احیاناً بسیاری از مامورین سازمان منحوس امنیت را نیز در بر گرفته است. همه نارضایتی می باشند. ارتشی، کارمند، کارگر، روستائی، دانش آموز، دانشجو، بازاری، کارخانه دار، پلیس و حتی

سازمان امنیتی و بالاخره همه و همه جز معدودی که این نارضایتی‌ها و فجایع ثمره کار آنهاست، ناراحتند (شعاعیان، ۱۳۵۲: ۲۷).

نویسنده کتاب **"حزب توده ایران و مسائل انقلاب میهن ما"** معتقد است آموزش‌های مهمی که جنبش مردم تبریز به همه مبارزان ضد استبداد می‌دهد بسیارگران بها است و اگر همه این نیروهای ضد رژیم این آموزش را بپذیرند و از آنها پیروی کنند راه گسترش آینده جنبش بیش از پیش هموارتر و کم‌دردتر خواهد شد. در نتیجه نویسنده نظام‌های نشانه‌ای و معرفت را در غالب آموزش به نمایش می‌گذارد: «نخستین آموزش رویداد تبریز است که جنبش ضد استبدادی در ایران از نیروی عظیم بالقوه انفجاری که از ناخشنودی عمیق وسیع‌ترین قشرهای مردم کشور نسبت به سیاست ضد ملی، ضد آزادی و ضد خلقی رژیم شاه سرچشمه می‌گیرد برخوردار است» (کیانوری، ۱۳۶۱: ۱۵).

نویسنده در ادامه اضافه می‌کند: «دوم این که اگر گردان‌های گوناگون و پراکنده این نیروی عظیم در یک شهر به طور پراکنده و جداگانه وارد میدان عمل شوند و هر اندازه هم این یا آن گردان نیرومند باشد نمی‌تواند دشمن ددمنشی را که تا دندان مسلح است و از هیچ جنایتی فروگذار نمی‌کند از پای درآورد. آموزش سوم این است که جنبش هر اندازه نیرومند هم باشد محلول به شکست است در صورتی که پایه نقشه دقیق از پیش تنظیم شده‌ای آغاز نگردد و آن چنان ستاد رهبری نداشته باشد که از عزمی راسخ برای پیروزی در نبرد و آگاهی و آمادگی برای بهره‌برداری از همه امکانات مساعد برای تجهیز وسیع‌ترین نیروها و هدایت آنها به میدان نبرد برخوردار باشد» (کیانوری، ۱۳۶۱: ۱۶).

چهارمین آموزش و شاید مهمترین آموزش جنبش دلیرانه مردم تبریز این است که برای توده‌های وسیع مردم که خواهان دگرگونی‌های بنیادی در رژیم سیاسی کنونی ایران هستند و آماده‌ی جانبازی در راه رسیدن به این هدف‌های ملی و خلقی خود می‌باشند بسیاری از مسائل بنیادی مبرم جنبش ضد استبدادی که هنوز مورد پذیرش برخی از گروه‌های سیاسی شریک در این مبارزه نیست به صورت امر طبیعی حل شده است. مبرم‌ترین و عمده‌ترین هدف مبارزه را در مرحله کنونی که سرنگون ساختن رژیم استبدادی شاه است عمیقاً پذیرفته‌اند» (کیانوری، ۱۳۶۱: ۱۶).

نویسنده کتاب **"ماهی سیاه کوچولو"** دال مرکزی گفتمان حاکم بر کتاب خود را حرکت و

رفتن به سوی آمال و آرزوها می‌داند. وی این مهم را در متن کتاب خود بارها تکرار کرده است و نمونه آن را می‌توان به دیالکتیک (گفتگوی متقابل) ماهی سیاه کوچولو با مادرش مثال زد: «من هم وقتی بچه بودم به این مسئله فکر می‌کردم که آخر جویبار کجاست. آخر جانم! جویبار که اول و آخر ندارد. همین است که هست! جویبار همیشه روان است و به هیچ جایی هم نمی‌رسد. ماهی سیاه کوچولو گفت: آخر مادر جان، مگر نه این است که هر چیزی به آخر می‌رسد؟ روز به آخر می‌رسد؛ هفته، ماه، سال...» (بهرنگی، ۱۳۴۷: ۳). نویسنده در خصوص لذت زندگی بعد از رسیدن به هدف می‌نویسد: «مرگ خیلی آسان می‌تواند الان به سراغ من بیاید اما من تا می‌توانم زندگی کنم. نباید به پیشواز مرگ بروم. البته اگر یک وقتی ناچار با مرگ روبرو شدم که می‌شوم مهم نیست. مهم این است که زندگی یا مرگ من چه اثری در زندگی دیگران داشته باشد» (بهرنگی، ۱۳۴۷: ۱۳).

نتیجه گیری

در فرایند انقلاب اسلامی گروه‌ها، احزاب و جریان‌های زیادی مشغول به فعالیت علمی و عملی در جهت رسیدن به آرمان‌های خود بودند. هر یک از گروه‌ها از رهبران و نظریه پردازانی برخوردار بودند تا به وسیله اندیشه‌های آنها بتوانند توده‌ها و پیروان خود را در وهله اول از لحاظ نظری و در مرحله بعد از بعد عملیاتی مستغنی نمایند. ترویج و انتشار گفتمان جریان‌ها بوسیله ابزارهایی چون کاست، مقاله، دست‌نوشته، نوار، کتاب، سخنرانی، شعر، رمان و جزوه صورت می‌گرفت ولی کتاب مهمترین منبع فکری و از قدرت تاثیرگذاری بیشتری برای تحریک و انگیزش جوانان برخوردار بود. در فرایند انقلاب اسلامی دو گفتمان مذهبی و مارکسیستی در این راستا قدم برداشته و آثار مربوط به رهبران را در اختیار رهروان خود قرار می‌دادند.

آثار گفتمان مارکسیستی کتبی مانند کژراهه (احسان طبری)، تزی برای تحرک (مصطفی شعائیان)، تحلیل موقعیت نیروهای انقلابی در ایران (بیژن جزینی)، حزب توده و مسائل میهن انقلابی ما (نورالدین کیانوری)، ماهی سیاه کوچولو (صمد بهرنگی) است.

روش و نظریه مورد استفاده در این مقاله نظریه تحلیل گفتمان جیمز پل جی است. نظریه گفتمان پل جی یکی از مهمترین و کارآمدترین نظریه ها در توصیف ساختار یک متن و دستیابی به عناصر زبانی آن و روابط میان این عناصر است. در این مقاله تلاش شد با استفاده از هفت سوال نظریه جیمز پل جی ساختار متن کتب گفتمان مارکسیستی در غالب هفت وظیفه سازندگی شامل هویت، اهمیت، روابط، پیوند، سیاست، نظام نشانه ای و کنش مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

یافته های پژوهش نشان می دهد با توجه به هفت سوال نظریه جیمز پل جی در آثار و کتب گفتمان مارکسیستی در سوال نخست ابعادی همچون رویدادهای سیاسی و اجتماعی حزب توده، موقعیت اجتماعی و سیاسی نیروهای انقلابی، پیشنهاد عملی جهت سرنگونی رژیم حاکم، وقایع شهر تبریز و ضرورت دنیا گردی ماهی ها مهم و برجسته جلوه داده شده است. در سوال دوم هویت های اجتماعی و سیاسی مانند ایرج اسکندری، کیانوری، کامبخش، رضا روستا، طبقه کارگر، خرده بورژوازی، روشنفکر، ارتش وسیع، سازمان امنیت، نیروهای توده ای، گروه های سیاسی دموکرات و ملی و ماهی سیاهی کوچولو به نمایش گذاشته شده است. در سوال روابط اجتماعی و سیاسی مانند خصوصیات اخلاقی رهبران حزب توده، روابط کارگر جدید و قدیمی، رابطه سرمایه گذاری های خارجی بر کارگاه های قدیمی، رابطه فقدان فئودالیسم و وضعیت اجتماعی و اقتصادی روحانیت، رابطه نهضت و روحانیون، ارتباط و اتحاد میان حزب توده ایران و سایر نیروهای ضد استبداد، نحوه برقراری ارتباط ماهی سیاه کوچولو با سایر موجودات ایجاد شده است. در سوال چهارم پیوندهای معناداری میان اشیایی مانند رادیو ملی، رادیو پیک ایران، مجله صلح و سوسیالیسم و حیات حزب توده، ابزارهای تولید و طبقات، استعمار در هندوستان و استعمار در ایران، استفاده از واژه های مانند جانبازی، نبرد، سنگ خیابانی، تانک، کار به استخوان، پشت سنگ سیاهی، شب ها و ماه برقرار شده است. در سوال پنجم کنش های مانند کنش حزب توده، کنش نیروهای انقلابی، کنش های اقتصادی، واکنش های رژیم شاه در برابر کنش های نیروهای ضد رژیم، کنش معطوف به حرکت ماهی سیاه کوچولو و رفتن از خانه اشاره دارد.

در سوال ششم سیاست های چون سیاست حزب توده در خصوص ملی شدن صنعت نفت، سیاست هژمونی کردن مارکسیسم در ایران، سیاست شعارهای سیاسی، جنبش دلیرانه تبریز به

عنوان یک الگو، سیاست بی تحرکی همسایه ها را به نمایش می گذارد. در سوال هفتم نظام های نشانه ای همچون نقد حزب توده و مارکسیسم، آگاه سازی و شناخت نیروهای انقلابی نسبت مسائل و مقتضیات جامعه، گفتمان نارضایتی، جنبش تبریز به عنوان یک نمونه موفق، گفتمان حرکت و رفتن به سوی آمال و آرزوها را مناسب و دارای امتیاز است.

تحلیل محتوای آثار گفتمان مارکسیستی با استفاده از نظریه جیمز پل جی نشان می دهد پایه تفکر و اندیشه آثار گفتمان مارکسیستی به اندیشه های مادی، تفکرات انسان های اهل تفکر، مبانی و اندیشه های مارکس و کنشگران سیاسی مخالفان نظام حاکم می رسد. در خصوص وجه اشتراک و افتراق آثار گفتمان مارکسیستی می توان اشاره داشت وجه اشتراک آثار گفتمان مارکسیستی آن است که در اکثر کتب منتشر شده در فرایند انقلاب اسلامی بر بهره گیری از مبانی و اندیشه های مارکس تاکید و تمرکز داشتند ولی در خصوص وجه افتراق آن می توان اشاره داشت که در بعضی از آثار گفتمان مارکسیستی با الهام گرفتن از آیات و احادیث، نگاه علمی به رویدادها و حوادث جهان داشتند ولی در مقابل در اکثر منابع گفتمان مارکسیستی تنها از ابزار انقلابی بهره می بردند.

با الهام از هفت مولفه نظریه جیمز پل جی مشخص می شود مفهوم حرکت در آثار گفتمان مارکسیستی از نقش مهم و کانونی در تفکرات مارکسیست ها برخوردار است. آثار مارکسیستی در تلاش است نظم برآمده از حکومت پهلوی ها را به چالش کشیده و کلمه حرکت را به سمت مفهوم انقلاب سوق دهند. در آثار گفتمان مارکسیستی مفهوم دیالکتیک اشاره دارد که وضعیت عالم دائماً به سمت تغییر حرکت می کند. همچنین بررسی محتوای آثار مارکسیستی نشان می دهد که بعضی آثار تنها راه رهایی علیه انسداد وضعیت و فعالیت های سیاسی را اقدام مسلحانه می دانستند. این گروه به این نتیجه رسیده بودند که وظیفه هر گروه انقلابی شروع عملیات مسلحانه در شهر و روستاها است. آنها معتقدند بعضی آثار جریان مارکسیستی خودشان را به جملات مارکس و لنین سرگرم کرده و آثارشان در خور محافل و مجالس روشنفکری است. در مقابل این گفتمان، گروهی بودند که دال مرکزی گفتمان خود را حرکت نرم و مسالمت آمیز در نظر داشتند و رسیدن به هدف از طریق حرکت مسلحانه را امری مذموم قلمداد می کردند. تجربیات گذشته کشور و بی ثمری اقدامات افراد انقلابی همگی نفی اقدام مسلحانه را نشان می دهد. این گفتمان سعی داشت به روش مسالمت آمیز به اهداف خود نائل شوند. این گروه مایل

به انقلابی است که از متن جامعه و مطالبه اکثریت مردم بیرون بیاید.

کتابنامه

۱. بارزگان، مهدی (۱۳۷۷)، مباحث بنیادین: راه طی شده؛ عشق و پرستش ذره بی انتها، بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بارزگان، انتشارات قلعه.
۲. بهرنگی، صمد (۱۳۴۶)، ماهی سیاه کوچولو، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
۳. جزنی، بیژن (بی تا)، تحلیل موقعیت نیروهای انقلابی در ایران، بی جا.
۴. حنیف نژاد، محمد (۱۳۵۷)، راه انبیاء؛ راه بشر، تهران: نشر صادق.
۵. خانیکی، هادی و مژگان فراهانی (۱۳۹۴)، قدرت و پادقدرت جنسیستی در سینمای ایران؛ مقایسه تطبیقی آثار تهمنه میلانی و رخشان بنی اعتماد، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۷، شماره ۲.
۶. سلطانی، علی اصغر (۱۳۹۱) قدرت؛ گفتمان؛ زبان، نشر نی.
۷. شعائیان، مصطفی (۱۳۵۲)، تزی برای تحرک، تهران: نشر اولدوز.
۸. طبری، احسان (۱۳۶۶)، کژراهه، موسسه انتشارات امیرکبیر.
۹. فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه ی فاطمه شایسته پیران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.
۱۰. کیانوری، نورالدین (۱۳۹۵) خاطرات نورالدین کیانوری، انتشارات اطلاعات.
۱۱. لی، آ و پونیتون، ک (۱۳۸۸). فرهنگ و متن: گفتمان و روش شناسی پژوهش اجتماعی و مطالعات فرهنگی، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۲. مک دانل، دانیال (۱۳۸۰)، مقدمه ای بر نظریه های گفتمان، ترجمه ی حسینعلی نوذری. فرهنگ گفتمان.
۱۳. مک دانل، دانیال (۱۳۸۰)، مقدمه ای بر نظریه های گفتمان، ترجمه ی حسینعلی نوذری. فرهنگ گفتمان.
۱۴. نیک بین رودسری، عبدالرضا(بی تا)، مبارزه چیست؟، چه باید کرد؟ بی جا.

۱۵. ون دایک، تئون (۱۳۸۲)، تحلیل گفتمان انتقادی، ترجمه جمعی از مترجمان، مرکز تحقیقات رسانه ها.
۱۶. یارمحمدی، لطف الله (۱۳۹۹)، درآمدی به گفتمان شناسی، ج ۱، تهران، هرمس.
۱۷. یورگنس، مهاریان و لوییز فیلیس (۱۳۸۲)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی.
۱۸. Gee, J, P. (۲۰۱۴). How to do discourse analysis: a toolkit (۲nd ed.). New York, NY: Routledge
۱۹. Gee, J, P.(۲۰۰۰). An Introduction To Discourse Analysis. Theory and Method . Fourth Edition. Rutledge, NY.
۲۰. Gee, J, P. (۲۰۱۸). Introducing discourse analysis: From grammar to society. New York. NY: Routledge.
۲۱. Gee, J, P, (۲۰۰۸). Social linguistics and literacies : ideology in Routledg.discourses. London.